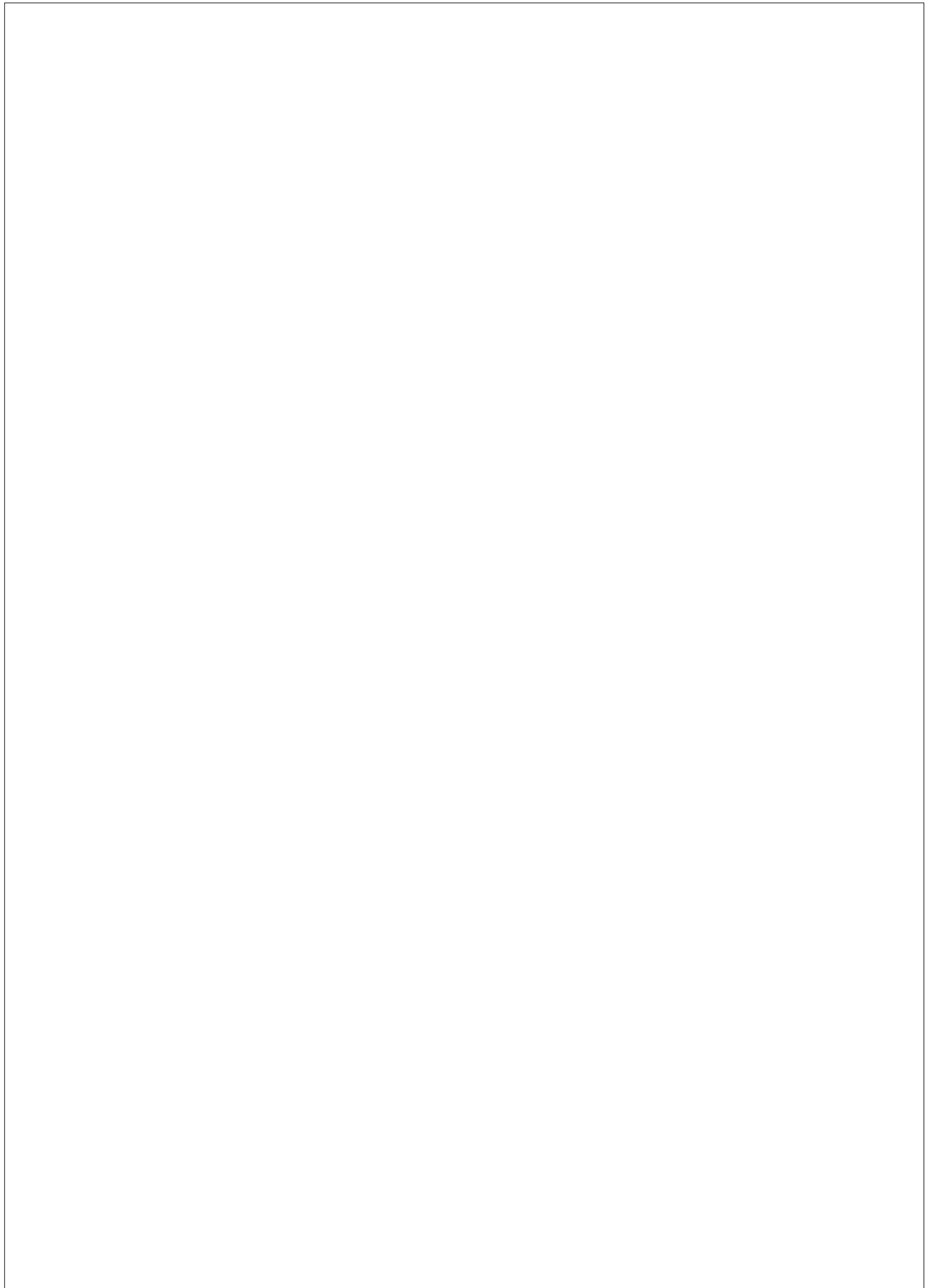


امپریالیسم روسیه

مترجم

معصومه جمشیدی



پیشگفتار

نگارش تاریخ کشوری دیگر کار دشواری است. یک تبعه خارجی که در شرایط فکری و اقلیمی کشور مزبور زندگی و رشد نکرده است، قادر به درک آن شرایط نیست و نسبت به بومیان آن کشور کمتر قادر به احساس آنها است. او ممکن است مدت مدیدی را در سرزمینی بیگانه سپری کند، زبانش را فرا بگیرد و در میان شهروندان آن کار و زندگی کند و تا حدی مانند آنها فکر کند و حتی به عنوان یک دوست پذیرفته شود. ولی چنین فردی باز نمی تواند به عنوان شهروند آن کشور تلقی شود، اما لااقل دارای ارزش خاص خود است. من در بسیاری از کشورها زندگی کرده ام اما در روسیه نبوده ام، و فقط طی سفری گذرا از آن دیدن کرده ام، زبان آن را از سالها پیش یاد گرفته ام و مناسبات خوبی با برخی از شهروندان آن داشته ام. شاید اگر در این خصوص پشتکار بیشتری به خرج می دادم، می توانستم زمان طولانی تری را در این کشور بگذرانم.

با وجود این، بیشترین کاری که می توانستم انجام دهم و برخی افرادی که می شناسم دست به انجام آن زده اند، بسیار دورتر از آن چیزی است که در بالا تحت عنوان «زیستن در یک کشور خارجی و دوست آنان شدن» از آن یاد شده است. در واقع، برای یک تبعه خارجی رفتن به روسیه و زندگی در آن کشور تقریباً غیرممکن بود، مگر به کشور خود پشت می کرد. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد شاید پس از چند سال، نسل فرزندان من بتوانند در میان روسها زندگی کنند همان گونه که نسل پدرم می توانستند.

البته، یک تبعه خارجی برای هموطنانش و یا مردم همزبان خودش می نویسد. اما ناگزیر است بر نکاتی تأکید کند که برای روسها به قدری بدیهی است که نیازی به ذکر آنها نیست. او ناگزیر است جزئیاتی را که در متون مختلف تاریخی پراکنده است، سرهم بندی کند، تصویر منسجم و یکپارچه ای از آنها به دست دهد. در واقع، انجام این امر به عنوان وظیفه مهم نویسنده نسبت به مخاطبانش، همان اندازه اهمیت دارد که جست و جو در لابلای اسناد به دنبال حقایق جدید که مشغله بسیاری از مورخان متخصص است. مورخان بریتانیایی تا به امروز در جمع آوری اطلاعات تاریخی کشور روسیه اهتمام بسیار ورزیده اند. علاوه بر سامنر^۱ و پارس^۲

1. Sumner

شخصیتهای دیگری نیز هستند. در دهه‌های اخیر، آمریکاییان در خصوص جمع‌آوری اطلاعات تاریخی در مورد روسیه چه به صورت فردی و به صورت گروهی تلاش فراوانی کرده‌اند. با وجود این، هنوز تحقیق دربارهٔ روسیهٔ قرن نوزده به زبان انگلیسی جای کار بسیاری دارد. این کتاب که تدوین آن پس از تحمل زحماتی فراوان میسر شد و رضایتی اندک به همراه داشت، نه به متخصصان دوران معینی از تاریخ روسیه و یا حتی متخصصان تاریخ روسیه بلکه به تمام علاقه‌مندان به تاریخ و مردم انگلیسی‌زبان تقدیم می‌شود.

انتظار نمی‌رود که کتاب من برای روسها حاوی نکات روشنگری باشد و یا برملاکنندهٔ حقایقی از تاریخ کشورشان باشد. پرواضح است که از این فاصلهٔ دور که من به موضوع پرداخته‌ام، موفق نشده‌ام کاملاً خود را با آن درگیر سازم. و یا ممکن است برخی مقایسه‌ها که با سرزمینها و ادوار تاریخی دیگر به عمل آورده‌ام برای آنها از اهمیت کمتری برخوردار باشد. ولی می‌توانم صراحتاً به هر خوانندهٔ روسی که به مطالعهٔ این کتاب می‌پردازد صمیمانه بگویم که اگر نوشته‌هایم فاقد احساسات گرم ناشی از تجربهٔ فراوان و مناسبات انسانی است، دست‌کم برای این ملت بزرگ احترام بسیاری قائلم و به این کشور به خاطر زبان باشکوهش عشق می‌ورزم و به خاطر لذتی که از خواندن ادبیات آن و در رأس همه آثار پوشکین بزرگ برده‌ام، سپاسگزارم. دوره‌ای که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد، با جلوس آلکساندر اول آغاز و با تبعید نیکلای دوم پایان می‌پذیرد. امیدوارم انقلاب و پیامدهای آن تشکیل‌دهندهٔ موضوع کتابی دیگر از نویسنده‌ای دیگر در این مجموعه باشد. در این کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی، تاریخ نهادها، طبقات، جنبشهای سیاسی و شخصیتها مورد توجه بوده است. به دیگر جنبه‌ها به‌طور حاشیه‌ای نگریسته شده است.

توصیف و تحلیل نظام‌یافته سیاست خارجی موضوع مجلدهای دیگر این مجموعه است، ولی نتوانستم به سادگی از مناسبات خارجی امپراتوری روسیه، دست‌کم در دورهٔ آلکساندر اول و ناپلئون چشم‌پوشم. دوره‌ای که سیاستهای داخلی و خارجی، جنگ و صلح با هم پیوندی ناگسستنی داشتند. ظاهراً، در چارچوب عمومی مناسبات خارجی به سیاستهای روسیه در آسیا بیش از آنچه معمول است، توجه کرده‌ام. از آن جمله، استیلا و استحکام هر آنچه که امپراتوری استعماری خوانده می‌شود. فضای کمتری به سیاست خارجی روسیه در دهه‌های آخر که شناخته‌شده‌تر و در اولین جلد این مجموعه نیز ارائه شده است، اختصاص یافته است.^۳ به وقایع

2. Pares

3. A.J.P. Taylor, *The Struggle for Mastery in Europe 1848-1918*.

نظامی به اختصار پرداخته شده، اما سعی کرده‌ام دست‌کم - وقایع مهم - محل وقوع وقوع جنگ و نتیجه آن را که پژوهشهای تاریخ عمومی نوین فاقد آن هستند، به خواننده ارائه دهم. این مجموعه فاقد بررسی جنبه‌های فنی تاریخ اقتصاد است، اما در مرحله‌ای که به توسعه کشاورزی و صنعتی و تغییر الگوهای طبقات اجتماعی اختصاص یافته، عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با هم تداخل و همپوشی می‌یابند. ممکن است یک مورخ علم اقتصاد با این موضوعات برخورد متفاوتی داشته باشد اما به نظر نمی‌رسد که من آنها را از نظر دور داشته‌ام.

تاریخ ادبیات خود بحث جداگانه‌ای دارد. اما ادبیات قرن نوزدهم روسیه چنان ارتباط تنگاتنگی با تاریخ سیاسی و اجتماعی آن کشور دارد که غالباً ناگزیر به ذکر آن هستم. در نتیجه نه تنها به آثار و حیات نویسندگان سیاسی بلکه به بزرگ‌ترین نویسندگان خلاق این سرزمین اشاره کرده‌ام. همچنین به بیان جملاتی محدود در خصوص هنرها و علوم اکتفا کرده‌ام تا صرفاً به خوانندگان یادآور شوم که مثلاً در فلان تاریخ لوبافوفسکی درگیر مسائل ریاضی، چایکوفسکی سرگرم تنظیم سمفونی و چاگال در حال فراگیری نقاشی بود.

جنبه‌ای از تاریخ روسیه که معمولاً توجه کمی به آن می‌شود، قلمرو امپراتوری است. روسیه یک امپراتوری چندملیتی بود و بیش از نیمی از اتباع آن غیرروس بودند. آنچه مسلم است نمی‌توان در یک مجلد تاریخ کلیه اقوام غیرروس را عمیقاً بررسی کرد. اما من فضای قابل توجهی را به مناسبات این اقوام با روسها، رشد جنبشهای سیاسی آنها، و نیز اشارات مختصری به ساختار اجتماعی و توسعه اقتصادی آنها اختصاص داده‌ام.

یکی از مهم‌ترین این اقوام مردم لهستان بودند. امیدوارم کتاب جداگانه‌ای از این مجموعه به تاریخ لهستان اختصاص یابد و حق مطلب را درباره منابع تاریخی فراوان لهستانی ادا کند. بخشهای مختصر مربوط به لهستان را بر مبنای مطالعات محدودی تهیه کرده‌ام. نیمه اول این دوره تاریخی را تا حد زیادی مدیون دو کتاب جدید آر.اف. لسل^۱ هستم. برای نیمه دوم آن از مجموعه وسیعی از کتابهای درجه دوم استفاده کرده‌ام. برای نگارش تاریخ مردم غیرروس از منابع دست اول و دست دوم که عمدتاً به زبان روسی و گاه به زبان آلمانی و اوکرائینی بوده‌اند، استفاده کرده‌ام. پژوهشگران بریتانیایی که مایل به مطالعه نظام‌مند تاریخ اقوام بزرگ غیرروس امپراتوری روسیه هستند در خواهند یافت که این موضوع زمینه مناسبی برای به کارگیری

1. R.F. Leslie

استعدادهایشان فراهم خواهد ساخت.

هدف من ارائه تصویری واقعی است از وقایع این دوره آن‌گونه که اتفاق افتاده، نه آن‌گونه که بعدها تعبیر شده است. تحلیل سیاستها و مطالعه شخصیتها بر اساس معیارهای موجود زمان خود صورت گرفته نه با تحمیل معیارهای پذیرفته شده کنونی.

سعی کرده‌ام از نسبت دادن خوب یا بد یا انگ «پیشرو» و «مرتجع» به شخصیت‌های این داستان پرهیز کنم. با وجود این، گاه سلیقه‌های شخصی‌ام دخالت داشته‌اند. هر چند از دخالت تمایلات شخصی خود شرمگین نیستم اما همواره سعی کرده‌ام تا آن را به خوانندگان تحمیل نکنم و هرگاه موفق به چنین کاری نشده‌ام از آنها طلب بخشش کرده‌ام.

البته این روش تاریخ‌نگاری در غالب متون تاریخی شوروی به چشم نمی‌خورد. این متون مبتنی بر تقسیم‌بندی ادواری تاریخ بشر است که حاکی از پیشرفت جامعه انسانی از مرحله برده‌داری به فئودالیسم و سرمایه‌داری و تکامل آن در سوسیالیسم است. بر اساس این مکتب فکری، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ بزرگ‌ترین واقعه تاریخ است که به جای تاریخ تولد مسیح تاریخ بشریت را به دو بخش تقسیم می‌کند. زیرا مردم روسیه مدعی داشتن افتخار اولین انقلاب سوسیالیستی موفق در تاریخ هستند. از این دیدگاه، سرتاسر تاریخ روسیه خود را برای این واقعه عظیم آماده می‌کرد. تمام وقایعی که در راستای این روند بوده، بر آن تأکید می‌شود و هر آنچه که در مسیری غیر از آن بوده حذف می‌گردد. روایتهای گوناگونی از این موضوع در متون تاریخی روسیه که توسط مورخین غربی نگاشته شده‌اند، دیده می‌شود. که هر چند دیدگاههای خصمانه‌ای به انقلاب بلشویکی دارند؛ ولی آن را واقعه بسیار مهمی به‌شمار می‌آورند و وقایع قبل از آن را صرفاً بدان دلیل بررسی می‌کنند که در آن توجیهی برای ریشه‌های انقلاب بیابند.

مایلم تا مراتب احترام خود را نسبت به آثاری که از این دیدگاه نگاشته شده‌اند، ابراز نمایم. اما در نگرش رمزی و مکاشفه‌ای آن، چه در روایتهای الهی و چه در روایتهای شیطانی، شرکت نکنم. انقلاب بلشویکی، بی‌تردید، یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ بشر است. اما داستان من پیش از وقوع آن پایان می‌پذیرد و هیچ‌گاه چنین احساس نکرده‌ام که کتابم می‌بایست توجیه‌گر علل و عوامل آن باشد. در هر دوره‌ای سعی شده تا فضای کافی به مسائل مهم آن دوره اختصاص یابد. به همین دلیل به تقسیمات جنبشهای آزادیخواهانه سوسیالیستی توجه زیادی نشده است. شرح فعالیتها، نظریه‌ها و شخصیتهای جناحهای مختلف خود نیاز به مجلد جداگانه‌ای دارد. هر چند در این زمینه کتابهای بسیاری هم‌اکنون موجود است. اما نقش این جناح‌بندیها پس از سال ۱۹۱۷

هر چه باشد، در زندگی سیاسی روسیه پیش از انقلاب تأثیر چندانی نداشته‌اند.^۱ امیدوارم نویسندگانی که مجلد دوم تاریخ روسیه را در این مجموعه تدوین خواهند کرد، در اشاره به دوره‌ای که کتاب من حاوی آن است، احساس راحتی و آزادی عمل نموده و به تشریح کامل انقلاب ۱۹۱۷ یا ذکر زمینه‌ها و جناح‌های اولیه مارکسیستی پرداخته و در مورد سقوط نهایی رژیم امپراتوری در فوریه ۱۹۱۷ که من بسیار گذرا به آن پرداخته‌ام، حق مطلب را کاملاً ادا کند.

منابع دست اول منتشر شده‌ای که برای نیمه اول دوره تاریخی این کتاب مورد استفاده قرار گرفته بسیار معتبرتر از منابع نیمه دوم آن است. اما یقیناً در کتابخانه‌های کشورهای غربی و نیز بی‌تردید در آرشیو کتابخانه‌های روسیه متون معتبر بسیاری موجود است. اگر زمانی محققان بریتانیایی اجازه یابند تا از آرشیو کتابخانه‌های روسیه استفاده کنند، همان‌طور که محققان دیگر کشورها از آرشیوهای بریتانیا استفاده می‌کنند، مطمئناً آثاری به مراتب بهتر از اثر من یا آثار معاصرین من به وجود خواهد آمد. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم نگارش خاطرات و نقد و تفاسیر معاصر در خصوص مسائل اجتماعی افزایش یافت. مجموعه‌های باارزشی از اسناد و مطالعات فردی قابل ستایشی در سالهای اولیه رژیم شوروی انتشار یافت. و به دنبال آن، عصر انجماد فکری به مدت بیست سال طول کشید. با وجود این، در دهه گذشته، پژوهشگران شوروی آثار محققان عظیمی در زمینه تاریخ جنبش انقلابی و برخی شاخه‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی منتشر کرده‌اند. و از این جهت باید سپاسگزار آنان بود. تاریخ بوروکراسی مدهای مدیدی تقریباً به دست فراموشی سپرده شد، اما آثار قابل ستایش ان.ام. دروژنین^۲ و پی.ای. زایونچوفسکی^۳ در از میان بردن این وقفه بسیار مهم بوده‌اند. تاریخ کلیسا و اعتقادات مذهبی تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است که خود زمینه بسیار مهمی برای تحقیق است. که من از غفلتم در این خصوص بسیار متأسفم. امید است که به زودی پیشگامانی در این زمینه پا به عرصه وجود بگذارند.

نگارش این کتاب با مساعدت و همکاری افراد بسیاری میسر شد که در همین جا خاضعانه از همه آنها تشکر و قدردانی می‌کنم.

شورای مدرسه مطالعات اسلاوونیک و اروپای شرقی با مرخصی یک ساله اینجانب برای

۱. هنگامی که این جلد زیر چاپ بود، اثر شگفت‌انگیز دکتر جی. کانکوف به نام روسیه ۱۹۱۷: انقلاب فوریه منتشر شد. توجه به تبحر بسیار و بصیرت‌های ارزشمند او برای مؤلفان بعدی بسیار ضروری است، هر چند اگر مایل به پذیرش تحلیل‌های وی نباشند.

2. N.M. Druzhinin

3. P.A. Zauonchkovsky

نگارش متن کتاب که تهیه مطالب آن بیش از ده سال به طول انجامید، موافقت کرد. در سال ۱۹۶۳-۴ مرکز مطالعات پیشرفته علوم رفتاری دانشگاه استنفورد، کالیفرنیا بورسیه تحصیلی به من اعطا کرد، و در فصل تابستان (زمستان نیمکره شمالی) سال ۱۹۶۴ عضو مهمان گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا در کانبرا بودم. به دکتر رالف تیلور^۱ و آقای پرستون کاتلر^۲ در مرکز و پروفیسور بروس میلر^۳ در ای.ان.یو^۴ بسیار مدیونم. شرایط کار در هر دو محل بسیار عالی بود و همفکری و الطاف همکارانم فراموش‌نشدنی است. باید از دکتر کمپیل و آقای سوزاکوفسکی از کتابخانه هوور دانشگاه استنفورد که از منابع غنی متون تاریخی روسیه است، به خاطر توجه و لطف مداومشان، و نیز از کارکنان کتابخانه به پاس همکاریهای بی‌دریغ و مبتکرانه‌شان سپاسگزاری نمایم. از خانم دوروتی برادرز در مرکز و دوشیزه الیزابت بنت در مدرسه مطالعات به پاس زحمات فراوان منشی‌گری که غالباً هم در شرایط نامناسب صورت می‌گرفت، سپاسگزار هستم. در تمام مراحل همسر من مشوق تلاشهایم و شریک مشکلاتم بود که از این جهت سپاس بی‌پایان دارم.

من بیش از اینها مدیون شخصیهایی هستم که در اکتساب ادراکات بنیادی به من یاری رسانده‌اند. سر برنارد پارس پیشرو مطالعات تاریخی روسیه در انگلستان، در کودکی مرا با سرزمین روسیه آشنا کرد. در سالهای بعد این علاقه را در من تقویت نمود. و بیش از آن مدیون پسر فقیدش، پروفیسور ریچارد پارس هستم، نه به خاطر مسائل مربوط به روسیه، که به خاطر انگیزه‌هایی که از ذهن خلاق استادی برجسته چون او می‌تراوید. از دانش گسترده و توجه بی‌پایان بی.اچ. سامنر که افراد دیگری نیز در آن با من شریک بودند، بسیار سپاسگزار هستم. نیز الهاماتی را که سی.ای. رابینسون و هارولد واکر به من بخشیدند و نیز نگرش آنان نسبت به من به مثابه بزرگسال با ذکاوتی که هرگز نبوده‌ام، هیچ‌گاه از یاد نمی‌برم. مرا یاری کردند تا برای خود شخصیتی بیابم و با تمام مهارت و الطاف خود در طول این مدت مرا یاری کرده‌اند. بزرگ‌ترین دین من به پدرم است که نمی‌توانم آن را چنانکه شایسته آن است، ادا نمایم.

1. Dr. Ralph tyler

2. Preston Cutler

3. Bruce Miller

4. A.n.u.

فهرست نقشه‌ها

۱. استانهای بخش اروپایی روسیه

رسم الخط، اوزان (مقیاسها)

زمان در تاریخ روسیه مشکل ساز است، زیرا تا قبل از سال ۱۹۱۸، تقویم روسیه از تقویم کشورهای اروپایی متفاوت بود. زمان در تقویم روسی (تقویم جولیان) در قرن نوزدهم دوازده روز و در قرن بیستم سیزده روز عقب تر از تقویم اروپایی (تقویم گریگوری) است. وقایع نگاری در این کتاب بر مبنای هر دو تقویم بسیار ملال آور و خسته کننده خواهد بود، به ویژه هنگامی که اختلاف در ماه و حتی سال پیش می آید (به عنوان مثال «۲۷ دسامبر ۱۸۳۷/۸ ژانویه ۱۸۳۸») زمان بندی تمام وقایع بر اساس تاریخ یک تقویم ممکن است یک مشکل را حل و مشکلات دیگری به وجود می آورد. راه حلی که در اینجا به کار برده ام استفاده از تقویم روسی در تمام فصول مربوط به وقایع داخلی امپراتوری روسیه و کاربرد تقویم اروپایی در فصول دیگر مربوط به مناسبات خارجی از جمله تمام جنگهای خارجی و مناسبات روسیه با پادشاهی لهستان است. فکر می کنم برای خواننده این مناسب ترین روش باشد. طیف وسیعی از متون سیاسی و تاریخ بین الملل که به زبانهای مختلف تدوین شده اند تقویم اروپایی را دستمایه کارشان قرار داده اند. اما تاریخ داخلی روسیه که بخش عمده آن به زبان روسی است از تقویم روسی استفاده می کند. خواننده در می یابد که با این روش، مقایسه و ارجاع به منابع دیگر برای او دشوار نمی شود و اتخاذ یک سیستم زمانی واحد کار را دشوارتر می کند. اگر در کاستن این مغایرتها و اشتباهات موفق نبوده ام پوزش می طلبم.

رسم الخط روسی نیز مشکلات خود را دارد. اسامی خاص زبانهایی که از خط لاتین و تکیه و نشانه های مخصوص دیگر استفاده می کنند (چک، لهستانی، کروآتی، رومانیایی و ترکی) با تلفظ صحیحی ارائه شده اند، مگر آنکه این اسامی با الفبای خاص خود واژه شناخته شده ای باشد و همانند یک واژه انگلیسی کاملاً جاافتاده باشد. زیرا سعی کرده ام (اگرچه کاملاً هم موفق نبوده ام) که از خواننده بخواهم برای تلفظ گونه های لاتین به فرهنگها و کتابهای دستور موجود این زبانها مراجعه کنند. تلفظ اسامی روسی، القاب و یا نقل قولهای روسی از حرف نویسی [transliteration] و برخی تغییراتی که برای تلفظ دقیق تر لازم است، بهره جسته ام. بار دیگر به خاطر این کاستیها که البته چندان تکرار نمی شوند و به درک راحت تر خواننده از متن کتاب کمک می کند، پوزش می خواهم. برخی از اسامی روسی شناخته شده هستند و مانند کلمات انگلیسی نوشته می شوند (مانند مسکو و نه مسکووا). بدین ترتیب برخی واژگان روسی (مانند zemstvo) به عنوان یک واژه انگلیسی در نظر گرفته می شوند و صورت جمع آنها نیز مانند واژگان انگلیسی تغییر می کند، حال آنکه برخی کلمات دیگر (مانند uезд) چنین وضعیتی ندارد. چاره ای جز

گزینش اجتناب‌ناپذیر این موارد نبوده است.

اوزان عمده روسی و معادل متری اروپایی آنها در اینجا ارائه گردیده است:

پود (pud)	۱۶/۳ کیلوگرم
آرشین = ۲۸ اینچ	۰/۷۱ متر
سازن	۲/۱۳ متر
ورست (روستا)	۱/۰۶ کیلومتر
دسیاتینا	۱/۰۹ هکتار